

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم ویر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Vanguard Woman

زن پیشواز

دیلوم انجنیر خلیل الله معروفی
برلین، نهم می ۲۰۱۰
روز مادر

مادر افغان

سیمای مظلومیت

و

تندیس دلاوری و شهامت

بیاد روز مادر افتادم، و یاد مقاله ای آمد که یکسال پیش در همین روز تقدیم پورتال "افغانستان آزاد – آزاد افغانستان" کرده بودم. مقاله را از آرشیف کشوده از نظر گذشتادم. در حالی که با آگاهی بر رنج بیکران مادران افغان، بر عظمت این اعجوبه خلقت (۱) و تندیس دلیری و شهامت، آفرین و تحیات فرستاده و سر تعظیم بر آستانش میسائیدم، بر آن شدم که همان مقاله پارینه را باز تقدیم تو خواننده گرانقدر کنم، چه شاید هرگز بهتر از آن نوشته نتوانم:



وطندار بجان برابرم!

وقتی به این عکس خیره مینگری، چه تصویری در ذهنت مجسم میگردد؟؟؟
اگر اجازه داشته باشم، برداشت خودم را از این "مجسمه مظلومیت – شهامت"، بیان نمایم؟
نیازی نیست بگویم که:

زن در سراسر دنیا زیر ستم است، اما ستمی که در جوامع اسلامی بر جنس "زن" رفته، حدیثیست سخت غمین و شاید غمین ترین. هیچ ضرورت ندارد، که از مظلومیت زن در ممالک اسلامی و خصوصاً در افغانستان، چیزی گفته شود. همه میدانند، که پشت زن در جامعه ما زیر چندین بار خم است؛ زیر بار عنعنات فرتوت، زیر بار

مردسالاری، زیر بار دین و مذهب و درین چند دهه، زیر بار جنگ سه بار اولین را زن افغان همیشه بدوش کشیده، اما بار گران جنگ لعنتی، این شانه "پولادوند" را در ظاهر خمیده ساخته است. بدون شک که بیشترین و سنگین ترین بار جنگ و قربانی بدوش "زن افغان" بوده است؛ چون : چون این "زن" بود که یا خود مستقیم قربانی داد و یا که باج قربانی دیگران را پرداخت؛ باج قربانی شوهر و پدر و مادر و خواهر و برادر و فرزند را. ضرب المثلی داریم، مشهور که میگوید :

"انسان از سنگ سخت تر و از گل نازک تر است."

من صادقترین و بالاترین مصداق این "مثل" را در وجود "زن" می بینم؛ در وجود "زن افغان"، که نمادیت "دوگانه" :

این پیکر "آب و گل"، از "رگ گل" نازکتر است. قلم نارسای من اما یارای بیان "رقت قلب" و "احساس لطیف" زن افغان را ندارد. پس میروم و حدیث سختسری و دلاوری و شهامت او را برمیکشم :

- "زن افغان" با دلی که از گل نازکتر است، به جنگ روزگار رفت و از "فولاد آبدیده" هم سخت تر بدر آمد.
- این "زن افغان" بود، که به مژگان سنگ خاره را درید.
- این "زن افغان" بود که در زیر سنگهای سنگین آسیاب آمد، و آرد نشد.
- این "زن افغان" بود که در آتشی بالاتر از آتش جحیم خزید، و نسوخت.
- این "زن افغان" بود که در اعماق بحر محیط فرو رفت، و غرق نگردید.
- این "زن افغان" بود، که در حدقه * و محراق تندباد حوادث قرار گرفت، و نلرزید.

آنچه را شعرای ما از صنعت مبالغه و غلو و اغراق پیش کشیده اند، هیچکدام نتواند عشر عشیر و کسر کسیری از شجاعت و شهامت و سختسری "زن افغان" را بیان نماید.

در طیف "زنان افغان"، مگر کسی هست، که "مظلوم ترین" و در عین حال "باشهامت ترین" هموست. این موجود "مظلوم"، مگر "دلیر" و "غیور"، "مادر" است، "مادر افغان"؛ مادری که نام گرامی خود را ثبت دفتر ایام کرد و جاودانه ساخت،

مادری که صد جان گرامی ما فدای یک تار موی او باد!!!!!!

وقتی این مختصر را به مناسبت "روز گرامی مادر" و در باره "مادر افغان" به پایان میرسانم، به یاد "مادرِ مادران" می افتم، که از "مادر افغان" به هزاران و هزاران هزار را تقدیم بشریت و تاریخ کرده است؛ و میدانی که "مادر مادران" کیست؟؟؟

"مادر مادران" همانا "مادرم وطن" است که مادر همه هم اوست!!!!!! و تا "مادر مادران" زنده است - که خداهش "زنده" و "حی" و "قیوم" دارد - هزاران مادر با شهامت افغان را به جهان تقدیم خواهد کرد!!!!!!

توضیحات :

۱ - "اعجوبه" (به ضم الف) کلمه عربیست و به کسی یا چیزی اطلاق گردد، که اسباب تعجب و حیرت خلاق را فراهم آورد و همه را مات و مبهوت گرداند. هموطنان ما آن را به فتح حرف اول تلفظ میکنند، که نادرست است. جمع عربی این کلمه "اعجیب" است. بار اول که این کلمه را خواندم، در ارتباط با "بو علی سینای بلخی" بود، که "اعجوبه" دهر "اش خوانده بودند و تاریخ از چنین اعجوبه های علم و تفکر را در بنی بشر، بسیار بیاد ندارد. اما وقتی به عظمت مقام "مادر" می اندیشم، از دل و جان قبول میکنم، که "مادر" خود "اعجوبه خلقت" است!!!!!!

۲ - باد و باد تند و تندباد و طوفان از نگاه فیزیکی بصورت "جبهه" و به حساب ریاضی به شکل "وکتور فیلد" Vectorfield (تابع مقدار و سمت و زمان) پخش میشود. "جبهه" بدین سبب نامیده میشود، که سرعت و شدت باد و طوفان در همه نقاط آن یکسان نیست. ازینرو در ادبیات علمی و در هواشناسی وقتی از سرعت باد سخن گفته شود، از "سرعت ها" سخن گفته و "بالاترین سرعت" آن را معیار خشم تندباد و طوفان میدانند. نقطه ای که درین جبهه بالاترین سرعت و شدت را دارد، محراق و مرکز و هسته طوفان و به اصطلاح زبان المانی "چشم طوفان" Auge des Orkans نامیده میشود، و من برای جلوگیری از "ترجمه باللفظ"، آنرا "حدقه طوفان" نامیدم.